

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره جدید، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۹، صص ۳۳۹-۳۴۸ New Period, No 26, 2020, P 339-348

ISSN (2476-7018)

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸)

مقایسه کیفیت زندگی و بهزیستی روان شناختی در پرستاران مجرد و متأهل

فاطمه روشن^{۱*}، الهام نجارزاده^۲، کاوه بهمن بیجاری^۳

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد، ایران*

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه کیفیت زندگی و بهزیستی روانشناختی در پرستاران مجرد و متأهل شهر مشهد می باشد. برای دست یابی به این هدف نمونه‌ای مشتمل بر ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر مجرد و ۱۰۰ نفر متأهل) با استفاده از روش نمونه گیری داوطلبانه انتخاب و پرسشنامه‌های کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی و بهزیستی روانشناختی ریف را تکمیل کردند. نتایج نشان می‌دهد که بین کیفیت زندگی و بهزیستی روان شناختی در پرستاران متأهل و مجرد تفاوت معنادار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، بهزیستی روانشناختی، پرستاران

مقدمه

تاریخچه پیدایش مفهوم کیفیت زندگی^۱ به دوران ارسطو در ۳۸۵ سال قبل از میلاد مسیح برمی گردد ر آن دوران ارسطو زندگی خوب یا خوب انجام دادن کارها را به معنی شاد بودن در نظر گرفته است ولی اصطلاح کیفیت زندگی تا قرن بیستم مورد استفاده قرار نگرفته بود (نجات، ۱۳۸۷). کیفیت زندگی از واژه‌هایی است که اتفاق نظر شخصی در بین محققان برای آن وجود ندارد ولی نکته مهم در تعریف کیفیت زندگی تمایز قائل شدن بین این واژه و واژه‌های مشابه مانند رضایت از زندگی، سلامت^۲ و بهنجاری^۳ است بنا به تعریف سازمان بهداشت جهانی^۴ (WHO) کیفیت زندگی درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می کنند اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌هایشان است (بونامی، پاتریک، بوشل؛ ۲۰۰۰).

اغلب دانشمندان برای کیفیت زندگی ابعاد مختلفی را در نظر می گیرند که مهمترین آنها عبارتند از:

بعد فیزیکی: مفاهیمی مانند قدرت، انرژی، توانایی انجام فعالیت‌های روزمره و مراقبت از خود در این گروه قرار می گیرند.

بعد روانی: اضطراب، افسردگی و ترس را می توان در این گروه قرار داد.

بعد اجتماعی: این بعد در مورد رابطه فرد با خانواده، دوستان، همکاران و در نهایت جامعه است.

بعد روحی: درک فرد از زندگی و هدف و معنای زندگی را در برمی گیرد. ثابت شده است که بعد روحی، زیرمجموعه بعد روانی نبوده و یک دامنه مهم و مستقل محسوب می شود.

علائم مربوط به بیماری یا تغییرات مربوط به درمان: این بعد بیشتر در ابزارهای اختصاصی مورد توجه واقع می شود که از آن جمله می توان به درد، تهوع و استفراغ اشاره کرد (کینگ و هیندس؛ ۲۰۰۳).

سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را اینگونه تعریف می کند: ادراک افراد از موقعیتشان در زندگی، در متن فرهنگ و نظام‌های ارزشی که در آن زندگی می کنند و در ارتباط با اهداف، انتظارات و نیازهایشان است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۰). همانطور که مشاهده می شود این تعریف کاملاً ذهنی بوده و توسط دیگران قابل مشاهده نیست و بر درک افراد از جنبه‌های مختلف زندگی استوار است. البته باید توجه کرد که کیفیت زندگی با بهزیستی روانشناختی ارتباط تنگاتنگی دارد.

1. Quality of life
2. Health
3. Normative
4. World Health Organization
5. Bonami. A. Patric, D. Bushnell, D.
6. Physical
7. Psychological
8. Social
9. Spiritual
10. King CR, Hinds PS

بهزیستی روان‌شناختی یکی از مفاهیم مهم در کیفیت زندگی افراد است که با شادکامی رابطه دارد (اید و لارسون، ۲۰۰۸). امروزه پژوهشگران معتقدند که ایجاد بهزیستی روان‌شناختی و رضایت از زندگی، انسان‌ها را به سمت موفقیت بیشتر در زندگی، سلامت بهتر، ارتباط اجتماعی حمایت‌گراانه سالم‌تر و در نهایت سلامت روانی و جسمی بالاتری رهنمود می‌سازد (اویشی، دینر و لاکاس، ۲۰۰۹). همچنین عاطفه مثبت و منفی، مکانیسم‌های فکری متفاوتی را که بر سلامت روان تأثیر دارند به راه می‌اندازد (استیر^۴ و همکاران، ۲۰۰۵). بر اساس سازمان بهداشت جهانی (۱۹۴۸، به نقل از ریف، سینگر و لاول^۵، ۲۰۰۴) در حقیقت امروزه (برخلاف گذشته) تعریف صحیح و جامع سلامتی انسان بر وجود معیارهای مثبتی همچون رفاه و بهزیستی استوار گردیده است و تأکید عمده تحقیقات در حوزه سلامت انسانی بر این نکته بنانهاده شده است که به‌راستی معنای خودشکوفایی، داشتن هدف و جهت در زندگی و یا شکوفا شدن توان بالقوه‌ی آدمی چیست؟ (ریف و سینگر، ۱۹۹۸). قابل ذکر است که امروزه تأثیر بهزیستی روان‌شناختی بر حوزه روانشناسی تجربی، مثبت قلمداد شده است. متخصصین به این نتیجه رسیده‌اند که احساسات و عواطف مثبت نقطه مقابل و یا در تضاد با احساسات و عواطف منفی (کاشیاپو و برینسون گری، ۱۹۹۹ به نقل از زهرا کار، ۱۳۸۷) نمی‌باشند. در نتیجه چنین استدلال باید نمود که بهزیستی نیز به معنای فقدان بیماری روان‌شناختی نیست، چنین امری در دهه‌های اخیر موجب شده است تأکید علم روانشناسی و روان‌درمانگران نه بر کاهش بیماری روانی، بلکه بر بهبود بهزیستی و رشد شخصی استوار گردد (راین و دسی^۱، ۲۰۰۱). لازم به ذکر است تحقیقات علمی بر روی معنای بهزیستی روان‌شناختی و چگونگی اندازه‌گیری آن با تمایز قائل شدن فرآیند میان جنبه‌های فضیلت‌گرا^۲ و لذت‌گرای آن (جانمان و همکاران، ۱۹۹۹ به نقل از ریف و همکاران، ۲۰۰۴) بسط و گسترش یافته است. براساس رویکرد لذت‌گرایی، بهزیستی شامل شادکامی ذهنی، لذت و اجتناب از درد می‌باشد. رویکرد فضیلت‌گرایی بیان می‌کند که واژه بهزیستی هنگامی ارزشمند است که با شادکامی صرف فاصله داشته باشد. پس طبق این رویکرد، مفهوم اصلی بهزیستی بالفعل شدن توان بالقوه فرد در فرایند ادراک خود می‌باشد (معینی زاده و سلاگیم^۳، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر سعی شده است به مقایسه کیفیت زندگی و بهزیستی روان‌شناختی در پرستاران مجرد و متأهل پرداخته شود.

1. Psychological well-being
2. Eid & Larsen
3. Oishi, Diener & Lucas
4. Ostir
5. Ryff, Singer & Love
6. Ryan & Deci
7. Eudaimonic
8. Salagame

روش تحقیق:

هنگامی که تحقیق با هدف برخورداری از نتایج داده‌ها برای حل مساله موجود صورت گیرد تحقیق از نوع کاربردی است. اما وقتی اساسا برای بهبود درک درباره مسائل به خصوصی که به طور معمول در محیط‌های سازمانی روی می‌دهند و نیز چگونگی حل آنها تحقیق صورت گیرد. تحقیق را بنیادی یا پایه‌ای گویند که تحقیق محض نیز نامیده میشود. بنابراین در پژوهش حاضر که به مقایسه کیفیت زندگی و بهزیستی روان‌شناختی در پرستاران مجرد و متأهل می‌پردازد تحقیق از نوع بنیادی می‌باشد. که بر اساس اهداف تحقیق نمونه‌ای مشتمل بر ۲۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری داوطلبانه برای این پژوهش انتخاب و پرسشنامه‌های پژوهشی را تکمیل کردند شیوه جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش استفاده از پرسشنامه برای سنجش متغیرها و مصاحبه بالینی برای به دست آوردن اطلاعات دموگرافیک می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش برای فرضیه‌های پژوهشی آزمون T مستقل می‌باشد.

ابزار پژوهش:

مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف - فرم ۵۴ سوالی (RSPWB):

در سال ۱۹۸۰ این مقیاس توسط ریف طراحی شد (ریف، ۲۰۱۴). فرم اصلی دارای ۱۲۰ سوال بود اما در بررسی‌های بعدی فرم‌های کوتاه تر ۸۴ سوالی، ۵۴ سوالی و ۱۸ سوالی نیز پیشنهاد گردید. مقیاس بهزیستی روان‌شناختی دارای ۶ خرده مقیاس پذیرش خود، ارتباط مثبت با دیگران، خودمختاری، رشد شخصی، هدفمندی در زندگی و تسلط بر محیط می‌باشد. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها مناسب و آلفای کرونباخ آنها بین ۰.۷۷ تا ۰.۹۰ به دست آمد و روایی آن ۰.۸۳ بود. آلفای کرونباخ برای پایایی این پرسشنامه ۰.۷۹ به دست آمد (کسیری، علی دوستی، سعید، محمدی، عباسی و هاشمی، ۲۰۱۵). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۷۵ محاسبه شد که حاکی از مقبول بودن پایایی این ابزار در جامعه مورد مطالعه می‌باشد. فقط از نمره کل این مقیاس در پژوهش استفاده شد.

پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی

پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی ادراک افراد را نسبت به سیستم‌های ارزشی و فرهنگی و همچنین اهداف شخصی، استانداردها و نگرانی‌های خود ارزیابی می‌کند. WHOQOL کوتاه شامل ۲۶ آیتم است که از نسخه ۱۰۰ آیتمی این پرسشنامه برگرفته شده است. این پرسشنامه ۴ حیطه وسیع را اندازه‌گیری می‌کند، که عبارتند از، سلامت جسمی؛ سلامت روان‌شناختی؛ روابط اجتماعی^۲ و محیط

1. Ryff's Scales of Psychological Well-being
2. Physical Health
3. Social relationship
4. Environmental Domain

زندگی. علاوه بر این موارد این پرسشنامه سلامت عمومی را نیز می‌تواند ارزیابی کند. آیت‌های پرسشنامه نیز بر روی یک مقیاس ۵ گزینه‌ای ارزیابی می‌شود. در بررسی آیت‌های نسخه کوتاه پرسشنامه WHOQOL نشان‌دهنده اعتبار افتراقی، اعتبار محتوا، پایایی درونی (آلفای کرونباخ، سلامت جسمی ۰/۸۰، سلامت روانشناختی ۰/۷۶، روابط اجتماعی ۰/۶۶، و محیط ۰/۸۰) و پایایی آزمون، بازآزمون مناسبی است (اسکوینگتون و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از محدث اردبیلی، ۱۳۹۷). در پژوهشی که توسط نجات و همکاران (۱۳۸۷) در ایران برای بررسی پایایی و روایی پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی انجام شد مشخص شد که مقادیر پایایی با شاخص همبستگی درون خوشه‌ای در حیطه سلامت فیزیکی ۰/۷۷، در حیطه روانی ۰/۷۷، در حیطه روابط اجتماعی ۰/۷۵ و در نهایت در حیطه سلامت محیط برابر با ۰/۸۴ بود. مقدار سازگاری درونی آیین ۴ حیطه در گروه سالم برابر ۰/۷۳ و در گروه بیمار ۰/۷۷ به دست آمد. صرف نظر از دو سوال کلی ابتدایی پرسشنامه در مورد کیفیت زندگی و وضعیت سلامت بین ۲۴ سوال باقیمانده در گروه سالم مقدار این شاخص ۰/۸۳ و در گروه بیمار ۰/۸۵ به دست آمد. در تمام محاسبات مربوط به آلفای کرونباخ به غیر از سوال ۲۲ از حیطه سوم، حذف هیچ یک از سوالات این شاخص را بالا نمی‌برد، حذف این سوال از حیطه سوم در گروه سالم آلفای کرونباخ را از ۰/۵۵ به ۰/۵۹ می‌رساند.

یافته‌ها:

بررسی توصیفی اطلاعات

در این قسمت داده‌ها حاصل از اجرای پرسشنامه‌های کیفیت زندگی و بهزیستی روانشناختی بر روی اعضای دو گروه مورد تجزیه و تحلیل توصیفی قرار می‌گیرد. اطلاعاتی که در این قسمت ارائه می‌گردد شامل میانگین و انحراف استاندارد حداقل و حداکثر نمرات می‌باشد.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
کیفیت زندگی	مجرد	۳/۳۴	۸۶٪	۱	۲۹
	متاهل	۳/۷۲	۴۳٪	۳	۲۷
بهزیستی روانشناختی	مجرد	۱۶۲/۲۶	۱۵/۹۱	۹	۷۲
	متاهل	۱۷۸/۳۹	۲۰/۷۳	۱۲	۸۶

1. Internal consistency

یافته‌های استنباطی

در این بخش داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه‌های پریشانی روانشناختی و خستگی روانی بر روی اعضای نمونه مورد تجزیه و تحلیل استنباطی قرار می‌گیرد.

آزمون کالموگروف اسمیرنوف

به جهت بررسی پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در نمونه پژوهشی، آزمون کالموگروف اسمیرنوف^{۲۴} به کار گرفته می‌شود. چنانچه سطح معناداری آزمون از ۰/۰۵ بزرگ‌تر باشد؛ می‌توان گفت توزیع داده‌ها نرمال است. نتایج حاصل از اجرای آزمون کالموگروف اسمیرنوف مربوط به مقیاس‌های پریشانی روان شناختی و خستگی روانی در جدول (۲) ارائه می‌شود.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون کالموگروف اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

متغیر	K S	سطح معناداری
کیفیت زندگی	۱۹٪	۰۳٪
بهزیستی روانشناختی	۱۲٪	۵۴٪

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود توزیع نمرات پریشانی روانشناختی و خستگی روانی در گروه نمونه پژوهش نرمال می‌باشد.

آزمون لوین

به جهت بررسی پیش فرض همگنی واریانس‌ها در نمونه پژوهش آزمون لوین^{۲۵} به کار گرفته می‌شود. چنانچه سطح معناداری آزمون از ۰/۰۵ بزرگ‌تر باشد؛ می‌توان گفت پیش فرض همگنی واریانس‌ها رعایت شده است. نتایج حاصل از اجرای آزمون لوین مربوط به مقیاس‌های پژوهش در جدول (۳) ارائه می‌شود.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون لوین مربوط به مقیاس‌های پژوهش

مقیاس	F	سطح معناداری
کیفیت زندگی	۲/۱۵	۱۲٪
بهزیستی روان شناختی	۱/۲۹	۱۲٪

1. Kolmogorov-Smirnov
2. Levene' s Test

نتایج حاصل از اجرای آزمون لوین نشان می دهد که پیش فرض همگنی واریانس ها در مقیاس های پژوهش رعایت شده است.

فرضیه اول پژوهش:

بین بهزیستی روانشناختی پرستاران متأهل و مجرد تفاوت معنادار وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون پارامتریک تی مستقل استفاده می شود. که نتایج آن در جدول شماره ۴ ارائه می شود.

جدول ۴: آزمون تی مستقل مربوط به متغیر بهزیستی روانشناختی

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین ها	T	درجه آزادی
بهزیستی روان شناختی	۱۵۷/۲	۴/۸	۴/۱۳۵	۹۹

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود فرضیه اول پژوهش تایید می شود و بین بهزیستی روانشناختی پرستاران متأهل و مجرد تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم پژوهش:

بین کیفیت زندگی پرستاران متأهل و مجرد تفاوت معنادار وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون پارامتریک تی مستقل استفاده می شود. که نتایج آن در جدول شماره ۴ ارائه می شود.

جدول ۴: آزمون تی مستقل مربوط به متغیر بهزیستی روان شناختی

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین ها	T	درجه آزادی
کیفیت زندگی	۹۵/۳۲	۳/۲۷	۲/۷۶	۹۹

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود فرضیه دوم پژوهش تایید می شود و بین کیفیت زندگی پرستاران متأهل و مجرد تفاوت معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری:

در پژوهش حاضر فرضیه های اول و دوم پژوهش تایید شد که نشان می دهد بین کیفیت زندگی و بهزیستی روانشناختی پرستاران متاهل تفاوت معنادار وجود دارد که با برخی از پژوهش های پیشین از جمله عرفانیان تقوایی و همکاران (۱۳۸۴)، درین و همکاران (۲۰۱۱) و پلز و همکاران (۲۰۰۷) همسو می باشد. بهزیستی روان شناختی هم مولفه های عاطفی و هم مولفه های شناختی دارد. افراد با احساس بهزیستی زیاد به طور عمده ای هیجانات مثبت را تجربه می کنند و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند؛ در حالی که افراد با بهزیستی کم حوادث و موقعیت های زندگی شان نامطلوب ارزیابی می کنند و بیشتر هیجانات منفی را تجربه می کنند (مایرز ۱۹۹۵). با توجه به این مطالب می توان نتایج این پژوهش را این گونه تبیین کرد که افراد می توانند با جایگزین کردن افکار و هیجانات مثبت به جای منفی می توانند ارزیابی مناسب تری از خود و محیط اطراف داشته و به تبع آن می توانند بهزیستی روان شناختی بهتری داشته باشند که البته عوامل دیگری نیز می تواند بر بهزیستی روان شناختی تاثیر داشته باشد که یکی از آن ها کیفیت زندگی می باشد. بر طبق نظریه کیفیت زندگی اجتماعی کیفیت زندگی عبارت است از: شرایطی که شهروندان در آن قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه اند، به صورتی که بهزیستی و توانایی بالقوه آن ها نیز بهبود یابد. کیفیت زندگی اجتماعی مبتنی است بر درجه تامین اجتماعی - اقتصادی، دامنه ادغام (مشمولیت) اجتماعی، دوام و شدت همبستگی و انسجام اجتماعی بین نسل ها، و سطح خودمختاری و توانمندسازی شهروندان (نول، ۲۰۰۲). تامین اجتماعی - اقتصادی شرایطی است که افراد در آن از امکانات کافی برخوردارند. این موضوع به دستاوردها و اقدامات حمایتی جامعه و نظام ها و موسسات اجتماعی بستگی دارد که زمینه فرآیند خودتحقیقی افراد را فراهم می آورند. ادغام اجتماعی شرایطی است که افراد در آن قادرند به نهادها و روابط اجتماعی دسترسی داشته باشند. این موضوع به مشارکت و فرآیند ادغام در هویت های جمعی و واقعیت هایی که خودتحقیقی را محقق می کند بستگی دارد. همبستگی اجتماعی مبتنی است بر هویت ها و ارزش ها و هنجارهای مشترک، که از یک سو با انسجام هویت های جمعی ارتباط دارد و از سوی دیگر با فرآیندی که شبکه های اجتماعی و زیرساخت های اجتماعی این شبکه ها را ایجاد و پشتیبانی می کند. توانمندسازی اجتماعی نیز شامل قابلیت های شخصی افراد و توانایی فعالیت آن ها از طریق روابط اجتماعی است (غفاری و امید، ۱۳۸۷). امی است این پژوهش رهیافتی باشد برای سایر پژوهشگران برای انجام پژوهش های بیشتر در آینده.

فهرست منابع و مآخذ

- زهراکار، ک. (۱۳۸۷). مشاوره تنیدگی (پیشایندها، پیامدها و راهبردهای درمانی تنیدگی). تهران: نشر دانشگاهی بال.
- عرفانیان تقوایی، م. ، اسماعیلی، ح. و صالح پور، ح. (۱۳۸۴). بررسی کمی و کیفی رضایت زناشویی معتادان و همسران آنها در مراجعه کنندگان به کلینیک درمان و ترک اعتیاد. مجله اصول بهداشت روانی، ۲۸(۲)، ۱۱۵-۱۲۱.
- غفاری، غ. ، کریمی، ع. و نوذری، ح. (۱۳۹۱). روند مطالعه کیفیت زندگی در ایران. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ص ۱۳۴-۱۰۷.
- محدث اردبیلی، ا. (۱۳۹۷) مقایسه کیفیت زندگی و رضایت زناشویی در زنان نابارور تحت درمان IVF و GIFT. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. موسسه آموزش عالی حکمت رضوی مشهد. ایران.
- نجات، س. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی و اندازه گیری آن. مجله تخصصی اپیدسیولوژی ایران، ۲، ۵۷-۶۳.

___ Bonemi, A. , Patric, D. , Bushnell, D. (2000). Validation of the united states version of the world Health organization Quality of life (WHOQOL) instrument. *Journal of Clinical Epidemiology*, 53, 1-2

___ Driessen, E. , & Hollon, S. D. (2011). Motivational interviewing from a cognitive behavioral perspective. *Cognitive and Behavioral Practice*, 18, 70-73.

___ Eid, M. , & Larsen, R. J. (2008). *The science of subjective well-being*: Guilford Press.

___ Famitafreshi, H. , Karimian, M. , & Fatima, S. (2016). Synergistic effects of social isolation and morphine addiction on reduced neurogenesis and BDNF levels and the resultant deficits in cognition and emotional state in male rats. *Current molecular pharmacology*, 9(4), 337-347.

___ Kasiri, N. , Alidousti, M. , Saeed, H. S. , Mohamadi, S. , Abbasi, M. H. , & Hashemi, F. (2015). Comparison of the real self, ideal self and ought self in adolescents with and without criminal history in Isfahan. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 17(3), 142-147.

___ King, C. R. , Hinds, P. C. (2003). *Quality of life from Nursing and patient perspective*. Jones and Bartlett publishers. Massachusetts.

Moenizadeh, M. , & Salagame, K. K. (2010). The impact of well-being therapy on symptoms of depression. *International Journal of Psychological Studies*, 2(2), 223.

___ Nol, H. (2002). Towards a European system of social indicators: theoretical framework and system architecture. *Social indicators research*, 58: 47-87.

___ Oishi, S. , Diener, E. , & Lucas, R. E. (2009). The optimum level of well-being: Can people be too happy? *The Science of Well-Being* (pp. 175-200): Springer.

___ Ostir, G. V. , Smith, P. M. , Smith, D. , & Ottenbacher, K. J. (2005). Reliability of the Positive and Negative Affect Schedule (PANAS) in medical rehabilitation. *Clinical Rehabilitation*, 19(7), 767-769.

___ Peles, E. , Schreiber, S. , Naumovsky, Y. , & Adelson, M. (2007). Depression in methadone maintenance treatment patients: rate and risk factors. *Journal of Affective Disorders*, 99(1-3), 213-220.

___ Ryan, R. M. , & Deci, E. L. (2001). On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being. *Annual review of psychology*, 52(1), 141-166.

___ Ryff, C. D. (2014). Psychological well-being revisited: Advances in the science and practice of eudaimonia. *Psychotherapy and psychosomatics*, 83(1), 10-28.

___ Ryff, C. D. , Singer, B. (1998). The Contours of Positive Human Health. *Psychological Inquiry*, 9, 1-28 .

___ Ryff, C. D. , Singer, B. H. , & Love, G. D. (2004). Positive health: connecting well-being with biology. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 359(1449), 1383.

___ World health organization (2010). Measuring sexual health: conceptual and practical considerations and related indicators: Available: [www:whqli bdoc. who. int/hq/ 2010 / who- rhr- 10. 12.](http://www.who.int/hq/2010/who-rhr-10.12)